

مباحثی در باب دولت و نقش اقتصادی آن

الف) جایگاه دولت‌ها در اقتصاد امروز

۱- تعهدات دولت‌ها

نقش و وظیفه‌ای که دولت‌ها در عرصه اقتصاد جوامع بشری عهده‌دار می‌شوند، در طول زمان دستخوش تغییرات جدی قرار گرفته است. به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی این نقش به‌صورت مداوم اهمیت یافته است. شکل‌گیری انقلاب صنعتی آثاری را در جوامع آن روز اروپا برجای نهاد که حضور و نقش‌آفرینی دولت‌ها را در عرصه اقتصاد ضروری ساخت. با جایگزینی ماشین به جای نیروی کار و شروع دوره تولید صنعتی، به تدریج بیکاری در این جوامع گسترش یافت و به‌صورت یک مشکل بزرگ اجتماعی درآمد. با تشدید این مشکلات و نابهنجاری‌های مربوط به آن، این توقع عمومی از دولت‌ها شکل گرفت که با به‌کارگیری سیاست‌هایی از ابعاد عظیم این مشکل بکاهند و جامعه را به سمت اشتغال کامل هدایت کنند.

از سوی دیگر با بروز مشکل بیکاری، اختلاف طبقاتی در این جوامع بارزتر و عمیق‌تر شد و بخش قابل توجهی از آنها درگیر فقر شدید و سطح رفاه آنها نیز پایین آمد. در این عرصه از دولت‌ها انتظار می‌رفت با به‌کارگیری سیاست‌هایی به کمک اقشار فقیر و کم‌درآمد جامعه بشتابند و آثار منفی فقر عمومی را کم‌رنگ‌تر سازند.

علاوه بر این‌ها، با افزایش تعداد کارگاه‌ها و کارخانجاتی که به تولید انبوه اشتغال داشتند، مشکل آلودگی‌های زیست‌محیطی به‌وجود آمد که سلامت بلندمدت جوامع بشری را تهدید می‌کرد. در این موقعیت نیز دولت‌ها باید وارد میدان می‌شدند و با اعمال سیاست‌ها و طراحی شیوه‌های نظارتی، از بروز این مشکل جلوگیری می‌کردند. سال‌ها بعد با مطرح شدن مقوله توسعه‌نیافتگی، دولت‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه، رسالت هدایت جامعه در مسیر توسعه و رفع مظاهر عقب‌ماندگی را عهده‌دار شدند.

افزایش توقعات و انتظارات از دولت‌ها چه در جوامع توسعه‌یافته و چه در جوامع در حال توسعه، طی سالیان دراز موجب شد تا نقش و حضور دولت در عرصه اقتصاد پررنگ‌تر شود.

۲- شاخص اندازه‌گیری سهم دولت

با شروع فعالیت دولت در عرصه اقتصاد کشور، بخشی از کل عوامل تولید موجود در جامعه به استخدام آن درمی‌آید و به بیان دیگر، دولت بخشی از تولید کل جامعه را به خود اختصاص می‌دهد.

بدین ترتیب اگر بخواهیم با یک شاخص کمی ساده ابعاد و اندازه دولت و سهم آن را در کل اقتصاد کشور بسنجیم، می‌توانیم به شاخص زیر توجه کنیم:

$$\text{سهم دولت در کل اقتصاد} = \frac{\text{بودجه سالانه دولت}}{\text{تولید ناخالص داخلی}}$$

اگر این نسبت در طول چند سال افزایش بیابد، به این معنی است که دولت در حال بزرگ شدن و گسترده شدن است.

تصویری که از بزرگی و کوچکی نقش دولت در اقتصاد برای عامه مردم مطرح می‌شود، سهم دولت در ایجاد اشتغال است. این امر به سادگی و به دور از پیچیدگی بحث‌های تخصصی قابل درک است. به عبارت دیگر، تعداد افرادی که در استخدام دولت‌اند و برای آن کار می‌کنند، نسبت به کل نیروی کار کشور می‌تواند بیانگر اهمیت نقش دولت باشد.

۳- تأثیرگذاری اندازه سهم دولت

سؤال این است که سهم دولت در کل اقتصاد، چه میزان باشد تا اقتصاد کشور از آثار مثبت آن بهره‌مند شود؟ آیا درصد سهم دولت بهتر است بیشتر باشد یا کمتر؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال باید قدری به کیفیت نقش و سهم دولت و نه صرفاً به کمیت آن توجه کنیم.

ممکن است افزایش حضور دولت در اقتصاد، موجب افزایش فعالیت بخش خصوصی شود و در مراحل بعدی به رشد اقتصادی کشور کمک کند یا برعکس افزایش حضور دولت، موجب کاهش زمینه مناسب برای فعالیت بخش خصوصی بشود.

پس باید به این نکته توجه کنیم که آیا دولت با فعالیت اقتصادی خود در این مسیر حرکت می‌کند که زمینه را برای فعالیت هرچه بیشتر بخش خصوصی آماده کند یا به‌عنوان جانشین این بخش وارد میدان شود. می‌توان گفت در کشوری که مراحل اولیه توسعه را طی می‌کند، فعالیت دولت در عرصه صنایع سنگین، موجب می‌شود فرصت‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع مرتبط با آن ایجاد شود. بدین ترتیب افزایش فعالیت دولت در یک دوره، موجب رشد اقتصادی در دوره‌های بعد خواهد شد.

در همین جامعه اگر دولت درگیر سرمایه‌گذاری و تولید در صنایع سبک بشود، در واقع به‌عنوان رقیب بخش خصوصی مطرح می‌شود و با فعالیت بیشتر خود، عرصه را برای فعالیت بخش خصوصی تنگ و تنگ‌تر خواهد کرد.

به بیان دیگر دولت باید در حوزه‌هایی از فعالیت اقتصادی وارد شود که بخش خصوصی وارد نشده و انگیزه کافی برای فعالیت ندارد، سپس در مراحل بعدی وقتی بخش خصوصی به حدی تقویت شد که در آن عرصه‌ها هم بتواند فعالیت کند، دولت باید جای خود را به بخش خصوصی بدهد. به طوری که ملاحظه می‌شود، با طی مراحل توسعه و حرکت کشور در مسیر پیشرفت، دولت می‌تواند به صورت تدریجی حضور خود را در عرصه اقتصاد کاهش دهد و جای خود را به بخش خصوصی بسپارد.

در یک جامعه، هر قدر رقابت بین فعالان اقتصادی فشرده‌تر و جدی‌تر باشد، اقتصاد به سمت کارآمدتر شدن حرکت خواهد کرد؛ زیرا در فضای رقابت، همه تولیدکنندگان سعی خواهند کرد با کاهش هزینه‌های تولید و در عین حال بهبود کیفیت محصولات تولیدی خود به رقابت با دیگران بپردازند. در نتیجه جریان مداوم پیشرفت و بهبود اقتصادی شکل خواهد گرفت. در جامعه‌ای که دولت حضوری قوی در عرصه اقتصاد دارد، جایی برای رقابت وجود ندارد. به عبارت دیگر بزرگ بودن سهم دولت در اقتصاد به معنی کاهش چشمگیر رقابت است و در فضایی غیررقابتی، اقتصاد دچار ضعف و عدم کارآمدی خواهد شد.

ب) خصوصی‌سازی

۱- خصوصی‌سازی و گسترش فضای رقابت

همان‌گونه که بالا بردن سهم دولت در کل اقتصاد به معنای پایین بودن درجه رقابت در اقتصاد است، پایین بودن سهم دولت و افزایش سهم بخش خصوصی نیز می‌تواند به معنای افزایش درجه رقابت باشد. افزایش درجه رقابت در اقتصاد کشور در بلندمدت موجب تسریع رشد و توسعه اقتصادی می‌شود؛ زیرا تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی در رقابت با همدیگر مجبور می‌شوند به صورت بی‌وقفه به فکر بهبود شیوه‌های تولید و افزایش بهره‌وری عوامل تولید باشند.

به همین دلیل دولت‌ها با طی مراحل اولیه توسعه تلاش می‌کنند با تقویت بخش خصوصی باعث افزایش فضای رقابت در جامعه بشوند و با کاهش حضور خود در عرصه اقتصاد، به نفع بخش خصوصی کنار می‌روند.

خصوصی‌سازی عنوان کلی مجموعه سیاست‌هایی است که با هدف کاستن از سهم و حضور دولت در اقتصاد و افزایش سهم بخش خصوصی به کار گرفته می‌شود. در این جهت دولت به تدریج با واگذاری واحدهای تولیدی که در اختیار خود دارد، سعی می‌کند از فعالیت‌های خود در عرصه اقتصاد که در

قالب تصدی‌گری است، دست بکشد و بیشتر به اعمال حاکمیت و هدایت اقتصاد کشور بپردازد.

۲- تصدی و حاکمیت دولت

مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات دولت را در گروه فعالیت‌های حاکمیتی و فعالیت‌های تصدی‌گری می‌توان دسته‌بندی کرد.

فعالیت‌های حاکمیتی شامل آن گروه از فعالیت‌ها می‌شوند که دولت به منظور ایجاد نظم و انضباط در جامعه و اجرای قوانین و اعمال نظارت بر فعالیت‌های افراد و بنگاه‌ها، به آنها دست می‌زند. به عنوان مثال دولت با تعیین استانداردها، سعی می‌کند تولیدکنندگان را وادار به رعایت ضوابط خاصی بکند یا با به‌کارگیری مجموعه‌ای از امر و نهی‌ها یا سیاست‌های تشویقی و تنبیهی فعالان عرصه اقتصاد را در مسیرهای موردنظر خود هدایت می‌کند.

فعالیت‌های تصدی‌گری وقتی اتفاق می‌افتد که دولت به عنوان یک تولیدکننده و عرضه‌کننده کالا وارد بازار می‌شود و همانند یک بنگاه بخش خصوصی به استخدام عوامل تولید و فروش کالاها و خدمات اقدام می‌کند.

بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که دولت‌ها باید از فعالیت‌های تصدی‌گری دست بردارند و به فعالیت‌های حاکمیتی بپردازند؛ زیرا درگیر شدن دولت در فعالیت‌های تصدی‌گری از یک سو باعث می‌شود دولت نتواند وظایف حاکمیتی خود را به درستی انجام دهد. از سوی دیگر تصدی‌گری دولت به معنای نبود رقابت در عرصه اقتصاد است و این خود به معنای عدم کارآمدی و کاهش بهره‌وری عوامل تولید است.

۳- خصوصی‌سازی در ایران

از زمانی که درآمدهای ناشی از فروش نفت در اختیار دولت قرار گرفت، به طور طبیعی به دلیل افزایش قدرت خرید و قدرت تأثیرگذاری دولت، نقش دولت در عرصه اقتصاد ایران پررنگ شد. به‌ویژه در اوایل دهه ۱۳۵۰ به دلیل افزایش سریع قیمت نفت و به دنبال آن افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی کشور، این نقش و حضور بسیار پررنگ‌تر شد. از سوی دیگر بخش خصوصی کشور هم هنوز تجربه و توان کافی برای حضور و فعالیت نداشت. به همین دلیل، سال‌های اولیه دهه ۱۳۵۰، دوران تحکیم جایگاه دولت در اقتصاد کشور است. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این وضعیت یعنی حضور دولتی بزرگ در عرصه اقتصاد تداوم یافت. دلیل این تداوم را به شرح ذیل می‌توان خلاصه کرد:

الف) بی‌سروسامانی‌ها و بلا تکلیفی‌ها در عرصه تولید و تجارت، شرایطی را فراهم کرده بود که بخش خصوصی انگیزه کافی برای فعالیت و تحرک بیشتر نداشت. از این رو دولت می‌بایست برای جلوگیری

از تداوم و گسترش رکود و فراهم ساختن زمینه برای فعالیت بخش خصوصی دست به کار می‌شد. (ب) در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، صنایع و کارخانجات زیادی به اشکال مختلف در اختیار دولت قرار گرفتند. تعداد زیادی از واحدهای تولیدی به دلیل بدهی مالکان به سیستم بانکی، در تملک دولت درآمدند. بخشی دیگر نیز با احکام قضایی و در نتیجه رسیدگی به پرونده‌های مالی مالکان، در تملک دولت درآمدند و ملی شدند. طبعاً دولت باید این مجموعه عظیم واحدهای تولیدی و صنعتی را اداره می‌کرد تا زمان مناسبی برای واگذاری آنها برسد. مدیریت این واحدها هم به معنای افزایش سهم دولت در اقتصاد کشور بود.

(پ) شروع جنگ تحمیلی و محدودیت‌های ناشی از محاصره اقتصادی و تحریم کشور شرایطی به وجود آورد که دولت برای مقابله با بحران، ناچار شد حضور خود در عرصه اقتصاد را تقویت کند و به مدیریت این بحران بپردازد. اساساً در دوران جنگ، همه دولت‌ها به اشکال مختلف در عرصه اقتصاد دخالت می‌کنند؛ از یک سو آنها تلاش می‌کنند با تجهیز منابع مالی، امکانات بیشتری را برای استفاده در عرصه جنگ فراهم کنند. از سوی دیگر می‌خواهند، برهم خوردن روابط تجاری و اختلال احتمالی در عرصه صادرات و واردات موجب بروز و گسترش رکود و تورم در کشور نشود. همه این تلاش‌ها به اتکای این باور صورت می‌گیرد که سازوکار بازار در شرایط بحرانی جنگ نمی‌تواند به درستی و با کارآمدی عمل کند و نتایج مطلوبی برای اقتصاد کشور و جامعه به بار بیاورد. پس دولت‌ها با دخالت خودشان و دولتی کردن عرصه اقتصاد تلاش می‌کنند این ضعف بازار را جبران کنند.

با توجه به آنچه گفته شد، وجود یک دولت مقتدر در عرصه اقتصاد که سهم بالایی در تولید ناخالص ملی دارد و بخش بزرگی از اقتصاد کشور به‌ویژه بازار نیروی کار را اداره می‌کند. در سال‌های پایانی جنگ کاملاً طبیعی بود.

با پایان یافتن جنگ تحمیلی، مسئولان و مدیران ارشد اقتصادی بلافاصله به فکر افتادند که در شرایط جدید با کاستن از ابعاد و سهم دولت، زمینه را برای حضور قوی‌تر بخش خصوصی در عرصه اقتصاد آماده‌تر کنند؛ زیرا در شرایط جدید دیگر نیاز به حضور گسترده دولت برای رفع مشکلات و بحران‌های زمان جنگ احساس نمی‌شد و لزومی نداشت جامعه هزینه‌های حضور دولت در اقتصاد را به صورت عدم کارایی و پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید تحمل کند.

سیاست‌های خصوصی در ایران در چنین شرایطی مطرح شد و دولت سعی کرد با کاهش تدریجی حضور و نقش خود در اقتصاد، میدان را به بخش خصوصی بسپارد. در این دوره تعدادی از بنگاه‌های تولیدی که در اختیار و تملک دولت بودند، از طریق سازمان خصوصی‌سازی، برای فروش و انتقال به بخش

خصوصی عرضه شدند و دولت با فروش و انتقال آنها، حضور خود را در عرصه اقتصاد کاهش داد.

۴- روش‌های اجرای خصوصی‌سازی در ایران

در برنامه خصوصی‌سازی ایران، روش‌های مختلفی مانند: واگذاری شرکت‌های دولتی از طرق بورس اوراق بهادار، مزایده، فروش اقساطی، اعطای سهام ترجیحی به کارگران و کارکنان و فروش گسترده سهام به مردم از طریق اعطای سهام عدالت در نظر گرفته شده است. بر این اساس با توجه به اهمیت و ضرورت قیمت‌گذاری صحیح و همچنین روش مناسب واگذاری شرکت‌ها، قوانین و دستورالعمل‌هایی مانند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغیه مربوط به آن در نظر گرفته شد. در این قوانین و دستورالعمل‌ها استفاده از بورس برای امور مشخص مانند قیمت‌گذاری و واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به عنوان روش سالم و مطمئن مورد تأکید قرار گرفت و تاکنون بخش مهمی از این واگذاری‌ها از طریق بورس انجام شده است.

۵- سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴

در ادامه مسیر خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران و کاهش تدریجی سهم دولت، مجموعه سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی تدوین و ابلاغ شده است. نگرش حاکم بر این مجموعه، این است که باید با مجموعه‌ای از سیاست‌های منسجم، از یک سو دولت با کاهش ابعاد سازمان خود، به دولتی کوچک اما کارآمد تبدیل شود و با فاصله گرفتن از هرگونه تصدی‌گری، صرفاً به اعمال حاکمیت براساس سیاست‌گذاری اصولی و عالمانه بپردازد و از سوی دیگر با واگذاری واحدهای تولیدی و صنعتی به بخش خصوصی، موجبات افزایش توان این بخش فراهم شود و در نهایت درجه کارآمدی و بهره‌وری در کل اقتصاد کشور افزایش یابد.

پ) یارانه و اقتصاد یارانه‌ای

۱- یارانه‌ها

یارانه را می‌توان نقطه مقابل مالیات دانست. دولت در شرایط خاص از تولیدکنندگان یک کالا یا مصرف‌کنندگان آن مالیات دریافت می‌کند و با این کار سعی می‌کند تا حد امکان از تخصیص منابع جامعه به تولید یا مصرف آن جلوگیری کند. دولت با گرفتن مالیات هزینه تولید و مصرف آن کالا را برای جامعه افزایش می‌دهد و در نتیجه تمایل عمومی به آن کاهش خواهد یافت.

با شدت گرفتن جریان تورمی در کشور، معمولاً مصرف‌کنندگان به دلیل کاهش قدرت خریدشان مجبور می‌شوند از مصرف برخی کالاها دست بکشند و این به معنای کاهش سطح رفاه عمومی جامعه

است. در این حالت دولت ممکن است با پرداخت یارانه برای تولید بعضی کالاها، سعی در خنثی کردن جریان تورمی داشته باشد. بدین ترتیب خانوارها با پرداخت مبلغ کمتری نسبت به قیمت واقعی کالا در بازار آزاد، به آن دسترسی پیدا می کنند.

درواقع دولت با به کارگیری سیستم یارانه‌ای سعی می کند عملکرد بازار را اصلاح کند. پرداخت یارانه موجب می شود تولید و مصرف کالای موردنظر با هزینه‌ای کمتر انجام بگیرد و سطح رفاه جامعه و به ویژه اقشار کم درآمد بالاتر برود.

۲- جنگ و اقتصاد یارانه‌ای

بروز جنگ تحمیلی موجب سرعت گرفتن جریان تورمی در کشور شد. دولت که نگران کاهش شدید قدرت خرید اقشار کم درآمد بود، شیوه تخصیص یارانه به بخش‌های خاص اقتصاد کشور را انتخاب کرد. با تداوم جنگ و گسترش بحران اقتصادی، پرداخت یارانه در اقتصاد کشور اهمیت بیشتری یافت. سیاستمداران و اقتصاددانان نگران آثار منفی افزایش سهم یارانه‌ها در اقتصاد کشور بودند؛ زیرا تخصیص یارانه موجب ترویج و گسترش عدم کارایی و بی‌توجهی به اصلاح الگوی مصرف می شد. با این حال شرایط خاص کشور اجازه اندیشیدن به امکان کنار گذاشتن یارانه را نمی داد.

۳- اصلاح سیستم یارانه‌ها

در سال‌های بعد از جنگ، دولت فرصتی به دست آورد تا قدم‌هایی را برای اصلاح سیستم یارانه‌ها بردارد؛ زیرا نگرانی‌های ناشی از تشدید بحران اقتصادی اجتماعی شرایط جنگی، دیگر موضوعیتی نداشت. با این حال باز هم تشدید جریان تورم باعث شد، این حرکت اصلاحی به وقت مناسب‌تری موکول شود.

در برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی کشور، مسئله اصلاح سیستم یارانه‌ها به صورت جدی تری مورد توجه قرار گرفت و بنا شد با حرکتی تدریجی یارانه‌ها حذف شوند.

۴- پرداخت یارانه نقدی

در سال ۱۳۸۹، اقدام جدی برای تغییر سیستم یارانه‌ها آغاز شد. دولت تصمیم گرفت با قطع تخصیص یارانه به کالاهای خاص، مبلغ معینی را به‌عنوان ما به‌ازای یارانه‌ها به حساب خانوارها در سراسر کشور واریز کند. به عبارت دیگر به جای اینکه کالای ارزان قیمت در اختیار مردم قرار گیرد، قیمت کالا تا حد واقعی خود افزایش یابد ولی در مقابل دولت همان مبلغی را که باید برای تثبیت قیمت آن کالا صرف می کرد، به صورت مستقیم در اختیار خود خانواده‌ها قرار دهد.

۵- دیدگاه‌های مختلف در باب پرداخت یارانه نقدی

امروزه کمتر کسی در باب ضرورت اصلاح شیوه تخصیص یارانه‌ها تردید دارد. همگان پذیرفته‌اند که تخصیص یارانه برای کالاهای خاص و اصرار بر عرضه کالاها با قیمت پایین، صرفاً یک ضرورت دوران جنگ و بحران اقتصادی بود و بنا نبود برای همیشه یا حتی دوره‌ای طولانی ادامه بیابد؛ زیرا نتیجه روشن آن تداوم عدم کارآیی در کل اقتصاد و تثبیت رفتار غلط اقتصادی مصرف‌کنندگان بود. با این حال اختلاف نظرها در باب نحوه اجرای این برنامه وجود داشته و دارد. موافقان می‌گویند سرانجام باید این کار اجرا می‌شد و بازیگران عرصه اقتصاد، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان با واقعیت‌های اقتصادی جامعه روبه‌رو می‌شدند و خود تصمیم می‌گرفتند که با مبلغ تخصیصی یارانه‌ها چه کنند. این کار باید یکباره انجام می‌گرفت تا تکانی در اقتصاد پدید آورد و همگان با شرایط جدید خود را تطبیق بدهند.

مخالفان نیز معتقدند اجرای سریع و یکباره این روش باعث بروز نابه‌سامانی‌ها در اقتصاد می‌شود و به روند تورمی در اقتصاد کشور دامن می‌زند.

فارسی

- ۱- توتونچیان، ایرج؛ پول و بانکداری اسلامی، انتشارات توانگران، ۱۳۷۹.
- ۲- توتونچیان، ایرج؛ اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵.
- ۳- تقوی، مهدی و عبدالله کوثری؛ اقتصاد، پیشبرد، ۱۳۷۸.
- ۴- روزبهان، محمود؛ مبانی توسعه اقتصادی، نشر تابان، ۱۳۷۵.
- ۵- روزبهان، محمود؛ مبانی علم اقتصاد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۶- روزبهان، محمود؛ تئوری اقتصاد کلان، انتشارات تابان، تهران، ۱۳۷۸.
- ۷- گلریز، حسن؛ بورس اوراق بهادار، (با توجه خاص به بورس اوراق بهادار تهران) مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۸- گلریز، حسن؛ سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی، مؤسسه بانکداری ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۹- مشبکی، اصغر؛ سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی، جهاد دانشگاهی.
- ۱۰- مشبکی، اصغر؛ پول و ارز و بانکداری، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۱۱- محتشم دولتشاهی، طهماسب، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، ویتار، ۱۳۷۵.

انگلیسی

- 1- Economics: Principles & Policy, William Baumol & Alen Blinder, Harcourt Brace Jovanovich international ed, 1988.
- 2- Economics: Roger Arnold, 3rd ed, West publishing Company, 1996.
- 3- Economics: David Begg, Stantey Fisher, 4th ed, London, McGraw Hill, 1994.
- 4 - Fundamentals of Economics, Turley Mings, 5th cd, Brown & Benchmark, 1996.

5 - Principles of Economics, Ruffin & Gregory, 5th ed., Addison - Westey Educ, 1994.

6 - Principles of Economics: Micro, Willis Peterson, 9th ed., Wills Peterson, 1995.

منابع قابل استفاده معلمان و دانش‌آموزان

- ۱- تقوی، مهدی و عبدالله کوثری؛ دوره کامل علم اقتصاد، نشر پیشبرد.
- ۲- توتونچیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- ۳- توتونچیان، ایرج؛ پول و بانکداری اسلامی، نشر توانگران.
- ۴- نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- شارل ژید، شارل ریست؛ تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی، دانشگاه تهران.
- ۶- قدیری اصلی، باقر؛ تاریخ اندیشه‌های اقتصادی، دانشگاه تهران.
- ۷- چارلز، فرگوسن؛ نظریه اقتصاد خرد، ترجمه محمود روزبهان، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۸- طبیبیان، محمد؛ اقتصاد کلان، نشر کوهسار.
- ۹- رزاقی، ابراهیم؛ اقتصاد ایران، سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۰- مجموعه آماری، سری زمانی آمارهای اقتصادی - اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۱- مؤمنی، فرشاد؛ علم اقتصاد و بحران در اقتصاد ایران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۲- پیشگامان توسعه، ترجمه سیدعلی اصغر هدایتی و علی یاسری، نشر سمت.
- ۱۳- ای.اف. شوماخر، کوچک زیباست، ترجمه علی رامین، انتشارات سروش.
- ۱۴- شهید صدر، محمداقرا؛ اقتصاد ما، جلد ۱ و ۲.
- ۱۵- مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت.
- ۱۶- هادوی تهرانی؛ مهدی؛ مکتب و نظام اقتصادی اسلام، مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
- ۱۷- متوسلی، محمود؛ خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

